

بیانیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر)

## گرامی باد سالروز شانزده آذر!

در شانزده آذر سی و دو دانشجویان در مقابله با سرکوب و اختناق و در دفاع از آزادی های غارت شده بدست شاه کودتا گر به صحنه آمدند. گلوله های حکومت نظامی ستم‌شاهی سه تن از دانشجویان را بخاک انداخت. زنده یادان شریعت رضوی، محدث قندچی و بزرگ نیا، نه تنها با نثار جان شریفشان به استبداد حاکم و حکومت کودتا " نه " گفتند، بلکه بر آمد جدیدی را در جنبش دانشجویی رقم زدند.

جنبش دانشجویی در سال 1332 مشعلی فرا راه مبارزه برای آزادی و علیه استبداد برافروخت که تا به امروز همچنان شعله ور است. دانشجویان در همه ء این پنجاه و هفت سال بهر شکل و صورتی که ممکن بود و با همه افت و خیزها، مشعل یادمان شانزده آذر سی و دو را فروزان نگهداشته اند.

امسال در شرایطی به استقبال 16 آذر میرویم که دانشجویان بمثابه بخش قابل توجهی از جوانان و زنان در جنبش خود جوش همگانی ضد استبدادی 22 خرداد و بر کشیدن آن از جنبش اعتراضی علیه تقلبات انتخاباتی به جنبشی ساختار شکن، بویژه در روز قدس و روز سیزده آبان، نقشی خلاق و سازنده داشته اند. این دیگر فقط یک جمع کوچک دانشجو نیست که علیه استبداد برخاسته است، بلکه بخش عظیمی از میلیون ها زن و مردی است که همراه دیگر طبقات و اقشار جامعه و با سردادن شعار های : " اتحاد، مبارزه، پیروزی " ، " مرگ بر دیکتاتور " و " از مشروطه تا بحال، آزادی، برابری، استقلال" به مصاف استبداد فقهاتی رفته اند.

این مصاف در شرایطی پیش آمده است که رژیم جمهوری اسلامی در درون خود با آن و برای سرپوش گذاشتن بر بحران سیاسی و اقتصادی همه جانبه ای که هم از جهت بالائی ها و هم از طرف مردم اعماق با آن دست بگریبان است، تلاش می کند از زاویه دفاع ناسیونالیستی، بزرگ نمائی نظامی، تکرار شعار های مردم فریبانه ضد امریکائی و ضد اسرائیلی و عمده کردن خطر دشمن خارجی، سرکوب جنبش عمومی را توجیه کند و این جنبش بزرگ و همگانی را به بیگانگان نسبت دهد و با تکیه بر این ادعای واهی و مضحک و با شتاب بخشیدن به چرخه ء اعدام، قصاص، تجاوز و سر به نیست کردن مخالفین به تشدید فضای خفقان و مهار جنبش ضد استبدادی و رنگارنگ مردمی بپردازد و به خیال خود با زدن برچسب انقلاب مخملی و کودتای نرم آنرا بی اعتبار سازد. در عین حال، رژیم تلاش می کند با دستگیری، کشتار و محروم کردن دانشجویان فعال از تحصیل و ستاره دار کردن آنها و ایجاد رعب و وحشت ادامه مبارز نشان را کند و زیرگردوخاک تبلیغاتی که بر ضد امریکا به راه انداخته است و برای تثبیت موقعیت لغزان خود با امریکا و متحدانش بنوعی سازش برسد.

اما همانطوری که خود دولتمداران حکومت نظامی- ایدئولوژیک حاکم دریافته اند، این ترفند ها بی ثمر مانده است و رژیم نمی تواند با این آدم کشی ها کاری از پیش ببرد، زیرا علی رغم همه این تهدیدها و کشتارها نه جنبش همگانی ضد استبدادی از نفس افتاده و نه جنبش دانشجویی از فعالیت باز مانده است. ویژگی جنبش دانشجویی موقعیتی است که آنرا بعنوان حلقه پیوند دهنده جنبش همگانی و ضد استبدادی کنونی شاخص کرده است. هم از این رو است که دانشجویان همراه و در کنار زنان، جوانان، بیکاران، کارگران، ملیت ها و ولایه های مختلف اجتماعی و با عبور از خط قرمزهایی که اصلاح طلبان در اپوزیسیون بوجود آورده اند و با سر دادن شعارهایی چون " مرگ بر اصل ولایت فقیه " و " مرگ بر دیکتاتور چه رهبر چه دکتر " به تحکیم مواضع آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود پرداخته اند و ظرفیت آنرا دارند که به سنگربندی سراسری بپردازند. زیرا بخاطر وجود دانشگاه ها و دانشکده ها در اقصا نقاط کشور، این جنبش از شبکه طبیعی ارتباطی سراسری برخوردار است. در مثل اگر زمانی بلوچستانی وجود داشت که فاقد حتی یک دانشسرای عالی تربیت معلم بود، امروزه هفتاد هزار دانشجو در دانشگاه ها و مدارس عالی آن مشغول به تحصیلند، یعنی گسترش محیط های آموزشی و دانشگاهی در سراسر ایران موقعیت ممتازی برای سازماندهی جنبش دانشجویی فراهم کرده است. این نیروی عظیم دانشجویی، بخصوص اکنون که جنبش همگانی ضد استبداد فقهاتی زمینه ء مناسبی در اختیارش قرار داده است، نیاز به خود سازماندهی مستقل از جناح های حاکم دارد تا بتواند به ارزیابی دقیق نیروی خود بپردازد، ابعاد بزرگ و تعیین کننده ء آنرا از پیش دریابد و بتواند مقابله با تعرض ارتجاعی دستگاه حاکم را سازمان دهد. با چنین تمهیداتی است که میتواند در مقابل رژیم تا بن دندان مسلح و تا مغز استخوان ضد بشر و جنایت پیشه تاکتیک مبارزاتی خود را تعیین کند، در رویا روئی با نیروهای امنیتی- فاشیستی حاکم با پیوند زدن دو عرصه ء مبارزه یعنی مبارزه حول

خواست های عمومی سیاسی ضد استبدادی و خواست های مطالباتی و بی واسطه افشار و طبقات گوناگون جامعه، خود را سازمان دهد.

خوشبختانه درونمایه این سازماندهی را دانشجویان در حرکت های اعتراضی و خود جوش اخیر بخوبی بنمایش گذاشتند. واقعیت این است که در مقابل نیروی سازمانیافته و سرکوب که می کوشد جنبش را به گروه های کوچک و پراکنده تقسیم و سپس آنرا متلاشی کند، اگر دانشجویان بتوانند با توجه به گستردگی طبیعی و سراسری خود تشکل های مستقل و خود رهبر را سازمان دهند، تشکل هایی که در همه ابعاد بلایه ها و طبقات اجتماعی و ملیت ها و باورهای متفاوت پیوند خورده است، میتوانند لولای اتصال جنبش ها باشند. بدین ترتیب جنبش دانشجویی قادر است:

1- در جنبش عمومی ضد استبدادی جوانان بمثابة بخشی از جوانان شرکت و آنرا سازمان دهد.

2- در محیط دانشگاه و سایر محیط های آموزشی با استادان و معلمان که مخالف سیاست جدید علم زدائی و دانش ستیزی رژیم ارتجاعی هستند، همراهی کند زیرا رژیم از ترس رشد آگاهی جنبش می کوشد با سانسور بر کتابهای آموزشی و درسی و استقرار انقلاب ضد فرهنگی دیگری در محیط های دانش و تحصیل، جلو رشد جنبش ضد استبدادی آزادیخواهانه و برابری طلب را بگیرد. اتحاد بزرگ استاد، معلم، دانشجو و دانش آموز اصلی ترین سنگر مبارزه علیه این سیاست تاریک اندیشانه و ارتجاعی است و جنبش دانشجویی میتواند در این مورد نقش کلیدی داشته باشد.

3- از آنجا که بخش بزرگی از دانشجویان از لایه های طبقاتی کارگران و مزد و حقوق بگیران برخاسته اند، در گره زدن خواسته های مطالباتی کارگران با جنبش عمومی و سیاسی و ساختار شکنانه میتواند بسهم خود نقشی قابل توجه داشته باشند. تظاهرات دانشجویان و جوانان در همدلی با کارگران در اول ماه مه 1388 در پارک لاله تهران این ظرفیت و همبستگی را نشان داده است.

4- از آنجا که بیش از نیمی از دانشجویان را زنان تشکیل میدهند، پیوند مبارزاتی جنبش مستقل دانشجویی و جنبش زنان امری طبیعی است و بر بستری از واقعیت قرار دارد، همگان حضور و همدلی و همبستگی جنبش دانشجویان با جنبش مستقل زنان را شاهد بوده اند. تعمیق و گسترش این همبستگی جنبش عمومی را از خود سازمانیافتگی بیشتری بر خوردار خواهد کرد.

5- کشاندن مبارزه به محلات و مراکز زیست و زندگی و در واقع پیوند مطالبات سیاسی با مطالبات روز مره در شرایط افزایش فلاکت اکثریت مردم ضرورتی انکار ناپذیر است و دانشجویان میتوانند نقش کلیدی در این پیوند داشته باشند. همچنین است تلاش برای شناسائی لباس شخصی ها، بازجویان، فرماندهان و سایر عوامل سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در محلات و محیط های کار و زندگی مردم.

واقعیت این است که جنبش دانشجویی با دهها رشته پیدا و نا پیدا به جنبش های اجتماعی و جنبش همگانی ضد استبدادی و برابری طلبانه کارگران و مزد و حقوق بگیران، زنان، دانش آموزان، جوانان، روشنفکران، اساتید و معلمان و ملیت های ساکن ایران گره خورده است و در پیوند با آنها ست که میتواند نقشی ارزنده و اساسی ایفا کند و چنانچه گفتیم بعنوان لولای اتصال این جنبش عمل کند. ازینرو سازماندهی دانشجویان در سراسر دانشگاه ها و پیوند آن با جنبش عمومی و ضد استبدادی مردمان ایران وظیفه ایست که عملاً بار عمده آن بر دوش جنبش دانشجویی کنونی است. با چنین نگاهی است که به پیشواز 16 آذر میرویم و علی رغم تشدید بگیر و ببندهای رژیم برای مرعوب کردن جنبش و عقب راندن آن، با تمام امکانات و با تمام وجود به حمایت از جنبش دانشجویی در بر گزاری هر چه باشکوه تر یادمان شانزده آذر امکانات خود را بکار می گیریم. این وظیفه تعطیل ناپذیر تک تک افراد مدافع آزادی و سوسیالیسم، همه تشکل ها، نهاد ها و احزاب داخل و خارج است. به امید پیروزی و سرفرازی جنبش دانشجویی در این راه.

**پیش بسوی شانزده آذر، روز دانشجو !**

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران !**

**زنده باد آزادی ! زنده باد سوسیالیسم !**

## کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )

26 نوامبر 2009 - ششم آذر ماه سال 1388